

برنامه های تشکیلات خارج به مناسبت آزادی زندانیان هفت تپه

صفحه ۳

حکمتیت هفتگی ۲۸۱

۷ نوامبر ۲۰۱۹ - ۱۶ آبان ۱۳۹۸
پنجشنبه ها منتشر میشود



تب و لرز در عمارت قومپرستان کرد!

فواد عبداللهی

بیش از دو هفته است که مردم محروم در مناطق جنوبی عراق زمین را زیر پای حاکمین به لرزه در آورده اند. اعتراض به فقر، نامنی، بیکاری و بی حقوقی از بغداد و بصره تا کربلا و ناصریه و ... کماکان در جریان است. مردم بحق انگشت اتهام را به سمت دولت مرکزی و "قوانین" نشانه گرفته اند؛ مسببین فلاکت جاری در جامعه عراق کسی نیست جز حاکمیت مشتی میلیشای قومی- مذهبی انگل که حاصل حمله نظامی آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ هستند؛ حمله ای که شیرازه های مدنیت و شهرنشینی در عراق را با خاک یکسان کرد و شهروندان جامعه عراق را بر مبنای هویت قومی- مذهبی تقسیم کرد؛ جنگ و ناامنی و بیکاری و گرسنگی و کشتار، تا هم اکنون سهم مردم از زندگی زیر دست این مرتجعین در قدرت بوده است.



جدال گفتارها در ایران

در حاشیه لایحه "ممنوعیت ضبط و پخش اعترافات اشخاص"

انعکاس خبر مطرح شدن لایحه "کنترل و مدیریت" شده از بالا محمود صادقی، نماینده "تهران در مجلس شورای اسلامی، دال بر ممنوع کردن "ضبط و پخش اعترافات اشخاص" در رسانه های حکومتی، و تکاپوی دولتی ها، مجلسی ها، وزارت اطلاعاتی "ها و "سپاهی" ها و باند های حواشی آنها، در سهم بری از این کمپین، له یا علیه دیگری، از جوانت مختلف تماشایی است!

بر محور این لایحه، باز کردن مشتی یکدیگر، افشاگری و "حسابرسی" شهروندان، نیاز به افشاگری دارد و

البته "کنترل و مدیریت" شده از بالا بین بالاترین مقامات در باند های حکومتی، در دفتر مقام معظم و "اطلاعات سپاه" و "وزارت اطلاعات"، "دستگاه دولت" و "باند های مجلس"، در باره موارد بسیار معدودی از توطئه ها و جنایات در حق اسرا و زندانیان، آینه تمام قدی از موقعیت امروز جمهوری اسلامی ایران، بار دیگر جلو صحنه آمده است. نه از این نظر که گویا جنایات تاریخی چهار دهه جمهوری اسلامی ایران علیه شهروندان، نیاز به افشاگری دارد و

جای تعجب! بلکه به این دلیل که توسط بالاترین مقامات حکومتی، بدون کمترین شکنجه و زندان و .. در موردش اعتراف میشود.

این "کمپین" و "حواشی آن" در بالا، وضعیت جمهوری اسلامی ایران را، نه در منطقه و در "جدال هسته ای" با آمریکا و اروپا، یا بالا و پایین رفتن های میزان "دماسنج" قلدری در عراق و عملیات میلیتاریستی در منطقه، که در رابطه با بیش از هشتاد میلیون

دیگر بس است! مردم عراق علیه فساد اداری و مالی، علیه چپاول و غارت هر روزه توسط باندهای قومی- مذهبی به ستوه آمده اند و در میدان اند؛ مردم عراق راهی جز قیام علیه حاکمیت نیروهای قومی- مذهبی و تحمیل سیاست کثیف آن ندارند؛ راهی جز جارو کردن سیمای جامعه از تقسیم بندی قومی- مذهبی ندارند؛ مردم عراق حکم به رفتن هویت قومی- مذهبی داده اند و این مهمترین خصلت خیزش ها و اعتراضات اخیر در عراق و است.

در این میان، ترس و دستپاچگی حکومت اقلیم کردستان عراق، از عشیره بارزانی تا طایفه طالبانی و جریانات حواشی این ایل و تبار دیدنی است؛ اخیرا اجلاسی اضطراری گرفته اند و همه به سر هم قسم خورده اند که در کنار دولت مرکزی و علیه خیزش مردم در جنوب عراق خواهند ایستاد! به حکومت مرکزی قول داده اند که سفت و سخت کماکان همان گلیم فدرالیسم قومی را خواهند چسبید! حق هم دارند! اینها تمام این مدت بر محنت و تباهی مردم در کردستان و در عراق ثروت و قدرتی بهم زده بودند و سرمایه گذاری بلند مدت کرده بودند! قرار نبود اوضاع بهم بخورد و عمارت دولت مرکزی و فدرالیسم قومی عالیجنابان شکاف بردارد! اما از بخت بد آقایان ورق برگشته است؛ اینها دو دهه است که در کنار دولت مرکزی، در کنار مالکی ها و عبادی ها و عبدل مهدی ها، در کنار مقتدی صدرها و سیستانی ها سر در آخور قدرت و تقسیم ثروت دارند. در دو سوی کمپ حاکمین و محکومین، ناسیونالیسم کرد و احزابش از همان آغاز معلوم بود که به کمپ اول تعلق دارند؛ اینها اعلام کرده اند که در کمپ شلیک کنندگان دولت مرکزی عراق به سینه محرومانی تعلق دارند که آزادی و نان و بیمه بیکاری می خواهند!

اینها حتی تاریخا از دولت مرکزی در ترور و به خون



همه باید بروند!

امان کفا

ایجاد اعتراضات توده ای در خاورمیانه، همچنان در حال گسترش است. تظاهرات های وسیع و میلیونی توده های مردم که عراق، الجزیره، مصر، تونس و لبنان را فراگرفته است، نه تنها کاهش نیافته، بلکه گسترده تر و وسیع تر پیش میرود و تمامی دولتهای مرتجع منطقه و نیروهای قومی و مذهبی جناح های حاکم عدم توانایی خود در سرکوب این جنبش عظیم را به نمایش گذاشتند.

اعتراض عمومی مردم علیه وضعیت وخامت بار موجود، فقر، بیکاری، عدم امکانات بهداشتی، تحصیل و همچنین فساد مالی دائمی حاکمان به سرعت به خواست پایان دادن به

بورژوازی حاکم با علم به اینکه که سرکوب تمام عیار و قلع و قمع عمومی، قادر به عقب راندن این موج عظیم اعتراضات مردم، امیدوارند با استعفا چند نفر از عناصر کلیدی و وعده های قدیمی

صفحه ۴

پیام به پلنوم ۳۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق

آزادی برابری حکومت کارگری



کشیدن اعتراضات مردم محروم باسابقه تر اند؛ عین آنچه امروز در جنوب عراق در جریان است در مارس ۲۰۱۱ در شهرهای کردستان عراق در جریان بود؛ همه بیاد دارند که دامنه تحركات موسوم به بهار عربی در ژانویه ۲۰۱۱، به کردستان عراق هم کشیده شد؛ همه بیاد دارند که دهها هزار نفر در شهرهای مختلف کردستان با مطالبات معیشتی و علیه فساد مالی احزاب ناسیونالیست کرد حاکم بر کردستان عراق به میدان آمدند. دولت فدرال آقایان در عوض، به سرکوب خونین اعتراضات مردم پرداخت. صدها نفر بر اثر یورش وحشیانه نیروهای مسلح "اتحادیه میهنی" و "حزب دمکرات کردستان"، زخمی و ناپدید و کشته شدند؛ ربودن رهبران و فعالین خوشنام توده های مردم، تهدید آزادیخواهان و کمونیستها به دستگیری و حبس، اعلام حکومت نظامی و سرازیر کردن مزدوران ویژه برای مقابله با صفوف مردم، تنها گوشه هایی از اقدامات حکومت خودمختار کردستان بود.

بنابراین جای تعجب نیست که "دولت اقلیم کردستان" در تحولات عراق مثل همیشه در دفاع از حکومت مرکزی بروی مردم معترض شلیک کند. ناسیونالیسم کرد یکبار دیگر نشان داد که کمترین توهمی به ایفای نقش خویش در تعرض به صفوف مردم محروم و آزادیخواه ندارد. مهم نیست این مردم "کرد" باشند یا "عرب" ناسیونالیسم کرد نشان داد که هر جا پای منافع مادی و زمینی در جریان است، دفاع از منافع سرمایه و سرمایه داران اصل است. به این اعتبار، سرکوب طبقه کارگر، نقطه اشتراک اصلی دولت مرکزی در بغداد و دولت اقلیم کردستان در اربیل است؛ سالها چماقداری احزاب ناسیونالیست کرد بر کردستان عراق، به توده های مردم نشان داد که "ملت کرد" خرافه است، همانگونه که ملت عراق، ملت ایران، ملت ترکیه و ... توهم است. اگر منافع ایل بارزانی و طایفه طالبانی و صدها میلیارد کرد با منافع سیستمی ها و صدها و بعدل مهدی ها، قابل جمع است، اگر کنش و واکنشی جز رابطه حاکم و محکوم بین آنها و مردم محروم

همه باید بروند

چون برگزاری انتخابات و غیره، مردم را به سازش و یا استیصال بکشند. اما ادامه اعتراضات و گسترش آن، اعتماد به نفس و قدرت و امید به تغییر به قدرت خود همه این تلاشها را به شکست کشاند. انتقال تجربه مردم کشورهای مختلف به هم میشود را در طی هفته گذشته از عراق تا لبنان مشاهده کرد. در عراق مردم سعی کردند که پلهای مرکزی مشخصا در بغداد را اشغال کنند، و در همین هفته در لبنان، مردم دست به اشغال خیابان های مرکزی بیروت زدند و در پلاکاردها و مصاحبه های میدیایی اعلام کردند که دولت باید بداند که این اعتراضات قادر به مختل کردن کل اقتصاد جامعه است و برای رسیدن به اهداف خود تصمیم به اعتصاب عمومی و سراسری دارند. در تونس و الجزیره نیز این شکل از مبارزه در جریان است.

شکی نیست که آینده از پیش معلوم و مختومه نیست ولی تا همین جا، همه به این واقعیت که این اعتراضات از جنس اعتراضات بهار عربی است واقف اند. حتی مفسران بورژوازی نیز اذعان دارند که مردم این منطقه بوضوح دیده اند که جنگ های لیبی و سوریه و حضور داعش و سرکوب آن، همگی بخشی از تقابلی وسیع در مقابله با ادامه بهار عربی بود. مسلما، با این تفاوت که اعتراضات امروز نه در شکل و شمایل پیشی، بلکه با مطالباتی همه جانبه تر از بهار عربی است. به همین دلیل، مرتجعین حاکم، سعی دارند که برای خاتمه دادن هرچه سریعتر به این اعتراضات، خط قرمزهای خود را به مردم گوشزد کنند. "جلوگیری از خشونت" و به رسمیت شناختن عدم تعرض به مالکیت های موجود دولتی، مقابله با "تروریسم"، به "هشدارهای" مشترک دولت های عراق، لبنان، الجزیره و مصر برای "ممانعت از دخالت ارتش و نیروهای نظامی دولتی"، برای ترساندن مردم معترض، تبدیل شده است.

چکیده مهمترین مولفه ای که اعتراضات امروز را فراتر از بهار عربی میبرد، شعار سراسری "همه تان باید بروید" مردم معترض است. مردمی که دیگر حاضر نیستند تحت حاکمیت دولت هایی سرهم بندی شده ای باشند که بنا به قراردادهای بند و بست های از پیش تعیین شده مابین نیروهای قومی و مذهبی و البته در توافق با دول امپریالیستی، زندگی کنند. خواستی که نه تنها یک دولت، بلکه کل پروژه و توافقات نیروهای مرتجع و خط و مرزهای قومی و مذهبی و ناسیونالیستی را هدف قرار داده است.

گسترش این اعتراضات خطری است که

کل بورژوازی منطقه را به هراس انداخته است. بازتاب مقابله توده وسیع مردم با تفرقه و تقسیم بندی های قومی و مذهبی، نه تنها موجودیت دولت های عربی، بلکه موجودیت دولت مذهبی و راسیستی تمام عیار اسرائیل را هم در تیر رس خود قرار داده است. خاتمه پروژه خاورمیانه قومی و مذهبی، به همراه خود نه تنها بی اعتباری نیروهایی چون حزب الله و حماس، بلکه نیروهای فاشیست در اسرائیل مانند نتانیاهورا نیز بهمراه دارد. این هم بخشی از ارتعاش مبارزات فعلی در منطقه است. برگزاری مجدد انتخابات، و حتی احتمالا برای بار سوم، در اسرائیل و کاهش رای عمومی احزاب سنتی دست راستی، یکی از بازتاب های مبارزات امروز برای پایان دادن به تقسیم بندی های قومی و مذهبی است. بعلاوه این جنبش امروز، نه تنها حضور جمهوری اسلامی در عراق و لبنان را هدف گرفته است، بلکه توافقات قدرت های جهانی و محلی، نظیر رسمیت بخشیدن به حاکمیت بشار اسد و حضور روسیه، و قابل قبول بودن حمله وحشیانه ترکیه به شمال سوریه توسط ارتجاع جهانی را نیز زیر سوال می برد. این زمین لرزه ای است که زمین را زیر پای ارتجاع جهانی و منطقه به لرزه در آورده است.

نجات ارتجاع حاکم در عراق، لبنان، الجزیره، اسرائیل، ایران، ترکیه و سوریه نقطه اشتراک ارتجاع جهانی و منطقه است. اما در دنیای پر از تناقضات و بر متن ناروشنی توازن قوا میان قطب های بین المللی بورژوازی، هیچ راه حل و نقشه ای برای نجات قدرت های منطقه ای، تضمین شده نیست. امروز بورژوازی جهانی برای حل معضلات بینادی خود، مشتت تر، بی افق تر و ناتوان تر از همیشه است.

شکست پروژه خاورمیانه قومی و مذهبی، پایان دادن به تفرقه قومی و مذهبی میان مردمی که برای آزادی، رفاه و سعادت در کنار هم علیه همه نیروهای قومی و مذهبی به پا خاسته اند کار جنبش کمونیستی است که آینده ای انسانی و شایسته بشریت قرن بیست و یک را تضمین کند.

مجمع عمومی تنها نماینده اراده مستقیم کارگران



جدال گفتارها

انسانی به نمایش میگذارد که چهل سال است در ایران برده مطلقاً بی حق و حقوق، در اسارتگاه یکی از وحشی‌ترین حاکمیت‌های قرن بوده اند.

طرح این لایحه و سوال و جواب کردن‌ها از بالاترین مقامات وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه و دولت و مجلس و .. برخلاف تصویر رسانه‌های دولتی نوکر داخلی و خارجی، نه محصول رقابت همیشگی باندهای قدرت در اطلاعات و سپاه و دولت، یا آبروریزی آنها در کیس "افتضاح امنیتی" مستند دروغین کلوب ترور" و مصایبی است که بر سر قربانیان این توطئه آورند، که اساساً محصول تحرک و شرایطی است از پس از خیزش دیمه ۹۶ زمین سیاسی ایران را سراسر، شخم زد. شرایطی که در دل آن، پایینی‌ها، بدون هیچ اسلحه و وزارتخانه و زندان و بانک و کمپانی و بنگاه مالتی میلیاردی، بالایی‌ها را چون کفتارهای سرگردان از سوراخ‌هایشان بیرون کشید تا به گله شیران اسیر، حساب پس بدهند!

بیدار شدن وجدان نداشته "خفته" نمایندگان مجلس و این و آن شخصیت این وقت در این و آن نهاد قدرت، به خاطر آن تحرک و در دل آن شرایطی است که از آن پیش، جنایات و توطئه‌های همیشگی، امکانات و قدرت سرکوب همیشگی، "دیگر اثر ندارد!" شان نزول این لایحه، امروز، به این خاطر است که از دیمه ۹۶، بر پیشانی کل نظام، "اصلاح طلب و اصولگرا"، مهر "دیگر تمام شد" خورد!

این تقلاها، در جواب به تحرکی است که همین چند ماه قبل، از پایین علیه پروژه کثیف سیستماتیک جمهوری اسلامی ایران در "تواب سازی" و "مستند سازی"

های دروغین و اعتراف‌گیری از زندانیان به زور شکنجه‌های فیزیکی و روحی و روانی، جملگی شان در اطلاعات و سپاه و دولت و مجلس و مقام معظم را از "شکر میل" کردن‌های خود پیشمان کرد!

"حکمت" این لایحه نه افشا شدن توطئه و جنایت کثیف هفت سال پیش وزارت اطلاعات، در کیس "مستند دروغین کلوب ترور"، که آخرین توطئه و "مستند سازی" مهوع شان در دیمه ۹۷ است که علیه زندانیان هفت تپه و حامیان شان، و علیه شخصت‌های سرشناس دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، از صدا و سیما پخش شد و جامعه پاسخ خود را با زدن در دهان جملگی شان، در همه نهادها داد و فریاد "شکنجه مستند دیگر اثر ندارد"، را کفتارهای حاکم شنیدند! سراسیمگی امروزشان، به این خاطر است.

شرایطی که در دل آن، رهبر اعتراضات کارگری بالاترین مقام قوه قضاییه را برای پاسخ‌گویی به شرکت در یک مناظره تلویزیونی دعوت میکنند! شرایطی که جنبشی احکام حبس یک قرون و نیمی را تا اطلاع ثانوی "فریز کرده" است و زندانیان اش را به قدرت اعتصاب کارگری و تحرک وسیع حامیان اش، آزاد میکند!

ریشه این افشاگری‌ها و تقلاها و تلاش در صفوف حاکمیت برای دادن تصویر ملاپیم و تلطیف شده از بخش یا بخش‌هایی از خود، را باید در پایین جست! پایین قدرت‌ش را به بالایی‌ها تحمیل کرده است! نه تنها پروژه‌های همیشگی علیه زندانیان سیاسی را بی مصرف کرده است که زندانیان را هم آزاد کرده است.

این لایحه تلاش صفی مستاصل است برای گذار از "مستند سازی" های سوخته، به پروژه‌های جدید و "نسوخته" مقابله با جنبش اعتراضی است که چهل سال است در میدان است و امروز نبض

آن حول طبقه کارگر صنعتی، می زند. بی تردید صفی از "اصلاحات چی‌ها" تلاش میکنند که شیوه‌های جدید سرکوب و مقابله با میلیون‌ها به جان آمده از حاکمیت شان را خراطی و به بازار عرضه کنند! ترور فعالین، سر به نیست کردن، توطئه پنهانی و .. شیوه‌های سنتی است که وقتی قدرت رسمی برای مقابله بی اثر میشود، بکار گرفته میشود! اما اینکه بن بست جمهوری اسلامی حتی با ترور صدها و هزاران فعال، حل شود، توهم و امیدواهی برای گله کفتارها بیش نیست. با این وجود، هوشیاری در مقابل توطئه‌های پنهانی، برای صفی که برای "رفاه، آزادی و امنیت" به میدان آمده است، لازم است. این موقعیت بالا است. اما پایین، با این پیشروی چه میتواند بکند!

حساب گله کفتارها را باید یکسره کرد!

هوشیاری در مقابل تلاش‌ها و طرفندهای جدید از سر استیصال و "خوردن کفگیر به ته دیگ" دستگاه اطلاعات و زندان‌ها و بازجوها و ... برای برداشتن "مزاحم از سر راه" امر همیشگی ما است. دفاع و حمایت و مراقبت دائم از فعالین و دست‌اندرکاران مبارزات کارگری و مدنی و اجتماعی، این سرمایه‌های جنبش ما برای به پیروزی رساندن محرومین، امر همیشگی است.

از این فراتر اما! مگر نمی‌گویند که اعتراف‌گیری و شکنجه و نمایش "برکات" آن برای نظام، دیگر برایشان مفید نیست! اینجا شروع کار ما است! از امروز و از این تاریخ به عقب، برای هر اعتراف و شکنجه شان باید، توسط قدرت و جنبشی که عقب‌شان زده است، حسابرسی شوند.

از پرونده شکنجه و "اعتراف‌گیری" و مصاحبه‌های اجباری همه زندانیان سیاسی امروز در بند و از بند رسته، زندانیان هفت تپه و اول مه، بهروز کریمی زاده‌ها و همه کسانی که در پرونده "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب"، زیر شکنجه از آنها اعتراف اجباری گرفته شد، همه کسانی که از این تاریخ به عقب به خاطر اعتراض و مخالفت با جمهوری اسلامی و مقررات و ممنوعیت‌های ضدبشری آن، زندانی و شکنجه شدند، باید حسابرسی شوند!

خودشان اعتراف کرده‌اند، بدون اجبار و در قدرت! باید عقربه شمار زمان در رسیدگی به همه پرونده‌های هفت تپه و گام، پرونده‌های اول ماه مه‌ها و هشت مارس‌ها و دستگیری‌ها در کردستان و دانشگاه‌ها و از معلمین و بازنشستگان و بیکاران و زنان و .. در سراسر ایران، را به حرکت درآورد! باید مجبورشان کرد که به همه جنایات شان اعتراف کنند! پایان دادن به پدیده زندانی سیاسی و حبس و شکنجه و آزاد و اعدام، تنها در گرو به میدان آوردن قدرت خود است! قدرت متحد و متشکل خود، در شوراهای مردمی و کارگری، در محل‌های کار و زندگی! در مبارزات و اعتراضات! جواب پایین دادگاه‌های علنی است! جواب محاکمه و مجازات عاملین این جنایات است. جواب پرداخت خسارت به همه قربانیان جنایات نظام است.

باید این عقب‌نشینی را به سنگری برای بستن همه پرونده‌سازی‌ها علیه فعالین کارگری، فرهنگی، بازنشستگان، فعالین دانشجویی و مدنی و تبدیل کرد. هنوز زندانها مملو از کسانی است که برای یک زندگی انسانی و بهتر بپا خاستند، باید این عقب‌نشینی را به شکستن در زندانها تبدیل کرد.

این پیروزی را باید گرامی داشت

به مناسبت آزادی اسرای هفت تپه

ما، همه مردم آزادیخواه، تمام کسانی که در ایندوره برای آزادی این عزیزان تلاش کردند را دعوت میکنیم تا در کنار کارگران، معلمان، دانشجویان و زنان و مردان آزادیخواه، در کنار خانواده این عزیزان، آزادی زندانیان طبقه کارگر را جشن گرفته و برای پیشروی‌های بیشتر و بسته شدن پرونده آنها و آزادی همه زندانیان سیاسی پیمانی مجدد ببندیم.

بریتانیا، لندن: جمعه ۸ نوامبر ساعت ۷ عصر - تلفن تماس بختیار پیرخضری ۰۷۵۷۷۹۵۲۱۱۳

Oak & Pastor, upstairs, 86 Junction Rd, N19 5QZ

نزدیکترین ایستگاه قطار Archway

سوئد، گوتنبرگ: شنبه ۹ نوامبر ساعت ۵ بعدازظهر - تلفن تماس سارا مرادی ۰۷۰۴۴۹۹۸۵۳

Bäckebolsängen 4 Hisingsbacka

با اتوبوس ۴۰ ایستگاه Lisa sass gata

آلمان، کلن: شنبه ۹ نوامبر ساعت ۶ بعدازظهر - تلفن تماس محمد راستی ۰۱۷۶۴۷۶۰۶۴۵۴

Melchiorstrasse 3-50670 Alte Feuerwache

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست (خط رسمی)
Worker-communist Party Hekmatist
hekmatist.com

پیام به پلنوم ۳۵ کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری عراق

به: پلنوم ۳۵ کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق
رفقای عزیز
گرمترین درودهای ما را بپذیرید.
با تشکر از دعوت برای شرکت در پلنوم کمیته مرکزی و تاسف از عدم حضور ما در این اجلاس مهم.

پلنوم اخیر شما در شرایط بسیار حساس و ویژه ای برگزار خواهد شد. امروز جامعه عراق وارد دوره ای سرنوشت ساز شده است. مردم عراق چند دهه است به یمن دخالتگری های سیاسی و نظامی قدرتهای امپریالیستی و بدنبال اعمال یک حاکمیت سرهم بندی شده از جریانات مختلف قومی و مذهبی، روی امنیت و زندگی قابل تحمل را بر خود ندیده اند. حدود سه ده است که انواع نیروهای قومی و مذهبی همراه با میلیشای مسلح و آدمکش آنها، با تحمیل یک انشقاق عمیق در میان طبقه کارگر عراق و مردم ستمدیده و هم سرنوشت به نام شیعه، سنی، عرب، کرد، ترکمن و... سیه روزی کامل و استیصال و بی حقوقی را به مردم زحمتکش عراق تحمیل کرده اند. امروز مردم استثمار شده و محروم در ابعاد میلیونی علیه فقر و بی حقوقی و حاکمیت دستجات مرتجع قومی و مذهبی دست به شورش زده اند. مردم محروم جامعه پا پیش گذاشته و به حاکمین مرتجع، به حکومت قومی و مذهبی، به فقر و سیه روزی، نه گفته و خواهان پایان دادن به این حاکمیت و تامین یک زندگی انسانی و مرفه و آزاد هستند.

بی تردید این اتفاق در کشور عراق، در خاورمیانه قومی و مذهبی شده، واقعه ای مهم در سطح منطقه است. تردیدی نیست که مردم حق دارند!، شورش و عصیان مردم ناراضی، علیه حاکمیت مستبد، فاسد و مرتجع حاکم قابل دفاع است. مردم حق دارند علیه بی حقوقی و فقر و ناامنی جامعه دست به اعتراض بزنند، دفاتر و مقرات جریانات مرتجع و حاکم را بسوزانند و با چنگ و دندان و هر امکاناتی که دارند، نفرت و انزجار خود را بانگ بزنند و صدای حق طلبی خود را به گوش جهانیان برسانند.

آذر مدرسی
دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری-حکمتیست (خط رسمی)
رفقای عزیز!

بدون تردید پیروزی طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در عراق، رهایی از استثمار و بردگی، خلاصی از حاکمیت سیاه باندها و نیروهای قومی و مذهبی، دستیابی به رفاه، امنیت، آزادی و برابری، بدون رهبری کمونیستها

۲۸ اکتبر ۲۰۱۹

نشریه هفتگی

حزب حکمتیست (خط رسمی)

www.hekmatist.com

سرمدبیر: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

تلگرام حزب
[@HekmatistXateRasmi](https://t.me/HekmatistXateRasmi)

فیسبوک حزب
facebook.com/HekmatistX

رادیو نینا
radioneena.com

تلگرام رادیو نینا
[@Radionenna](https://t.me/Radionenna)

اینستا گرام رادیو نینا
instagram.com/radioneena/

تماس با حزب

دبیرخانه حزب: هساره ابراهیمی
hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

دبیر تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا
aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی
mozafar.mohamadi@gmail.com

سایت آرشیو آثار منصور حکمت

hekmat.public-archive.net

برای آزادی، برابری به حزب حکمتیست پیوندید